

سازمان های دادگستری

از آنجائیکه بیشتر صفحات شماره های مجله کانون از طرف اغلب همکاران بتوضیح نواقص قوانین موجوده اختصاص و این مطلب هم بطور مسلسل دنبال گردیده و از جهت آنکه نواقص و معایب قسمتی از قوانین مشهود و ملحوظ بوده و بطور اعم میتوان گفت که قوانین جاری فعلی حتی قسمتهائی هم که در موقع تدوین بی فایده نبوده ولی امروز متناسب با زمان نبوده و نمی تواند حافظ منافع و مصالح سیاسی و اجتماعی و اقتصادی باشد جای بحث باقی نگذارده و برای حفظ روابط حسنه اجتماع و رعایت احوال عموم طبقات توجه سریع و اصلاح فوری آنها را اقتضا میکند ولی مطلبی که مورد تعرض و اقام نشده و بعقیده نگارنده مقدم بر اصلاح قوانین است اصلاح سازمان دادگستری و رفع معایب خصوصی و عمومی تشکیلات حاضره میباشد چه این حقیقت بتجربه ثابت شده که قوانین بهر اندازه هم مفید و مطابق با منافع اکثریت تدوین شود شرط اساسی استفاده از فوائد آن بنفع اجتماع متناسب بودن سازمان های مجری آن و حسن سلیقه و نظر مجریان آنست و الا کاغذ و جملات مسلسل و مترادف نوشته شده در آن با اسم قانون در برابر نواقص و معایب سازمانهای مربوطه اثر مستقیم نداشته و حاجات عمومی را تأمین نمی کند.

از این جهت نگارنده این قسمت را مورد تذکر قرار داده و انتظار دارد همکاران محترم با اینجانب تشریک مساعی و در مواردی که باشتباه یا خطا رفته ام هدایت و راهنمایی فرمایند.

الف - برای اصلاح هر دستگاهی مصلح باید بدو توجه خود را بمرکز آن دستگاه معطوف داشته و شرط اصلی استفاده از هر قوه حسن جریان مرکز قوه مزبور بوده و الا باخرابی اصل کارخانه اصلاح دوایر و شعب فرعی اقدامی بی جا و غیر مفید است و لذا اصلاح قوه قضائی بدو محتاج اصلاح حوزه وزارتی و تفکیک بین قوه مجریه و قوه قضائی کشور است و قنونی نظریات و تصمیمات فردی در مقدرات قاضی مؤثر باشد

وقاضی استقلال و تأمین نداشته باشد چگونه میتوان او را مصون از لزش دانسته و با با ظهور لغزش و انحراف حقا و انصافا او را مقصد دانست آنهم در موردیکه وسیله اعاشه و ارتزاق صدی هشتاد از قضات کشور ما استخدام و حقوق دولتی بوده و بهر اندازه هم که عنصر با شهبامتی باشد ترس و نگرانی از اختلال معیشت حس شهامت را در وجود او مجبور از بین خواهد برد تا قاضی بقاء و مقدرات خود امید نداشته انتظار استقلال بیپوده و صحیح است که نتیجه نهائی قضاوت در کشور ما بدیوان عالی کشور منتهی و قضات دیوان کشور از تحمیل و توصیه مصون و برکنار بوده و در این مرحله نفوذ مؤثر نیست ولی تا حصول پرونده بدیوان کشور هستی و حیثیت مظلومین از بین رفته و حکم دیوان کشور بتمام معنی نمیتواند حقوق و حیثیت فرد مظلومی را اعاده نموده و صحیح است که قانون اساسی اداره دادگستری را هم مانند سایر وزارتخانهها تحت نظر وزیر قرار داده و قاعده خاصی نسبت به دادگستری مقرر نداشته ولی تهیه کنندگان قانون اساسی با اصل ۸۲ قانون مزبور استقلال قاضی را تأمین نموده بود اما حالیه که با تفسیر اصل مزبور و توسعه نفوذ قوه مجریه بر قوه قضائیه کار را بجائی رسانیده که رویه وزارتخانهها با قضات مشابه رویه است که در باره سایر مستخدمین کشور اعمال میشود دیگر چگونه میتوانیم انتظار داشته باشیم که قاضی و نسبت بمقدرات خود و عائله اش بیاعتنا باشد پس فرضا که امروز تفسیر اصل ۸۲ لغو و تأمینانی که قانون اساسی برای قضات منظور داشته بهمان حال تثبیت گردد باز تصور نمیرود وافی و کافی برای منظور باشد چه سازمان و افراد زمان وضع قانون اساسی با امروز تفاوت داشته و باید قوانین مناسب با زمان هم باشد مضافا بهمان نسبت که عدم استقلال و اعتماد قضات بمقدرات خود مضر و با تأمین استقلال آنها از قضات صالح تشویق گردیده بهمان نسبت جلوی هرگونه بهانه و غدیری را از قضات مسدود و میتوان شدیداً از تجاوز و سوء رویه اقلیت قلمیلی جلوگیری نمود مطلب دیگر آنکه يك وزیر مخصوصا با سقوط پی در پی کابینه های بعد از شهریور در مدت کوتاهی نمیتواند معرفت تفصیلی بحال تمام قضات حاصل و با داشتن اطلاعات سابقه هم باز فرصتی برای اصلاح ندارد و بعقیده نگارنده اصلاح قوه قضائیه که علاوه بر ممارست و معلومات تفصیلی بر نامه مدون و فرصت کافی میخواهد از دست وزیر دادگستری بنتهائی ساخته نیست.

و چون وضع آشفته فعلی دادگستری لزوم فوری اتخاذ تدابیری را ایجاب نموده و تأخیر در هر گونه عاجی سبب قطعه امید دسته جمعی افراد از این دستگاه و عواقب وخیمی در بر دارد و چون هنوز هم امیدی برای تصویب برنامه ۷ ساله با در نظر گرفتن باقیمانده دوره ۱۵ وجود نداشته و تازه معلوم نیست تصویب برنامه ۷ ساله هم با مشکلات توضیح شده بالا بتواند در اصلاح قوه قضائی مفید واقع شود از این جهت اقتضا دارد مجلس که مسئول پیش بینی مقدرات کشور است طریقه برای اصلاح در نظر گرفته که با وجود یا سقوط دولتها هم تأثیری در شروع بیک سلسله اقدامات اساسی نداشته و بتوان قدمهای مفیدی در اصلاح قوه قضائی برداشت یکی از طرق تفکیک قوه مجریه از قوه قضائی و تأمین استقلال قضات و ضمناً خواستار مسئولیت ارکسانی که مأمور اصلاح میشوند و جلوگیری از بهانه دولتها در برابر استیضاح مجلس تشکیل هیئتی بنام شورای عالی قضائی از بین قضات دیوانعالی کشور و دو نفر از وکلای با سابقه دادگستری و دو نفر از نمایندگان مجلس شورا که عضو کمیسیون دادگستری باشند بوده که مجلس ۷ الی ۹ نفر از قضات عالی رتبه به قید قرعه از بین تمام مستشاران دیوان کشور انتخاب و برای مدت سه الی پنج سال مأمور اصلاح دادگستری و قوانین قضائی نموده و اختیار عزل و نصب و تغییر و تبدیل قضات و همچنین نظارت و تعقیب آنها با شورای عالی بوده و هر سال یک دفعه ثلث اعضاء شورا بقید قرعه برکنار و ثلث دیگری با آنها اضافه نموده تا اینکه این هیئت بتواند در ظرف ۵ سال با تهیه پروژه شروع با اصلاح نموده بدو ارجح و تبدیلی در قضات بعمل آورده و تدریجاً نیز قوانین را اصلاح و با تهیه قوانین مناسب برای تصویب بمجلس پیشنهاد نمایند - جای تردید نیست که با این اقدام بچندین نتیجه مفید منتهی میشود.

اولاً - استقلال و اعتماد قضات بمقام خود تأمین و قاضی میدانند که دیگر مقدرات او وابسته بنظریات ۱۲ نفر وزیر ترین قضات و افراد کشور بوده و تحمیل نظریات و اغراض بر ۱۲ نفر این ردیف افراد مجال است تا نایب بهمان نسبت که قاضی مستقل و آزاد میشود بهمان نسبت از هر گونه عمل مخالف حق و قانون خود داری و موجه است با ارتکاب کوچکترین عمل ناشایسته از دستگاه قضائی طرد و اختیار اودست یک نفر نیست که با اعمال نفوذ یا توصیه و سفارش از آثار عمل خود جلوگیری و

مقام خود را حفظ کند و مسلم است ۱۲ نفر را نمی‌شود اغفال یا تهدید نموده و با توصیه موافقت آنها را جلب کرد.

ثالثاً متنفذین نیز حساب کار خود را کرده و از اعمال هر گونه نفوذی برای حمایت از بک قاضی ناصالح سرانظر و فرضاهم اشخاص مصری باشد اصرار آنها مفید نخواهد بود.

رابعاً خود شورای عالی که علاوه بر شخصیت افراد آن موجه خواهند بود که برای اصلاح دادگستری منتخب پانزده میلیون نفوس ایران بوده و با قبول بک چنان مأموریتی و در برابر تاریخ و ملت ایران مسئول هستند تمام نیروی خود را برای انجام این مأموریت بکار برده و سعی خواهند نمود مأموریت خود را در برابر ملت و تاریخ بخوبی انجام دهند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی